

کلید امتحان درس: نگارش (۳) پایه : دوازدهم رشته : علوم انسانی، تجربی و ریاضی نام دبیر : خانم‌ها حجه‌الاسلامی، محمدی و مقدمی		باسمه تعالی مدیریت آموزش و پرورش ناحیه ۴ دبیرستان غیردولتی هدی (دوره ی دوم) آزمون نوبت اول سال تحصیلی ۹۸-۹۹ تعداد صفحه: تعداد سئوال: ۶		تاریخ آزمون: ۹۸/ ۱۰ / مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه مهر آموزشگاه	
ردیف	شرح سوالات				بارم
الف	بازشناسی (۲ نمره)				
۱	۱. متن زیر بخشی از یک «خاطره» است. آن را بخوانید و به موارد خواسته شده پاسخ دهید. «امسال برخلاف سالهای گذشته هیچ ذوق و شوقی برای آمدن به مدرسه نداشتم؛ زیرا هیجان کنکور از یک طرف و دوری از محیط صمیمی و خاطره‌انگیز مدرسه از طرف دیگر آرامشم را گرفته بود. وقتی با خود فکر می‌کردم امسال آخرین سالی است که پشت نیمکتهای چوبی در کنار همکلاسی‌های دوران دبیرستان که چند سال است با هم دوستیم می‌نشینیم، آخرین سالی است که می‌توانیم در کنار دوستان خود بی‌دغدغه شیطنت و بچگی کنیم، قلبم به درد می‌آمد. امروز اولین روز آخرین سال تحصیلی من در مدرسه بود. قلبم مثل گلوله آتشی در سینه می‌تپید. راهی مدرسه شدم. بعد از ورود به مدرسه با چهره‌های جدید و خندان سال‌اولی‌ها روبه‌رو شدم و در دل با خود گفتم: چه بی‌خیالند! شاهنامه آخرش خوش است. وارد کلاس شدم. بچه‌ها مشغول حرف‌زدن بودند. با خود عهد کردم که دیگر به آنها نگویم ساکت باشید و حرف نزنید. با خود گفتم سال آخرست و هرچقدر می‌خواهید حرف بزنید». موضوع: بیان دلتنگی دانش‌آموز دبیرستانی از آخرین سال تحصیلی و اتمام دوران خوش مدرسه (۲۵٪) زاویه دید: اول شخص (۲۵٪) نوع نثر (ادبی یا زبانی) با ذکر یک دلیل: ادبی. (۲۵٪) دلیل: ۱. زبان ساده و صمیمی ۲. استفاده از عنصر احساس ۳. استفاده از آرایه‌های ادبی (صور خیال) (۲۵٪)				
۲	۲. در یک «متن کوتاه و ادبی» موفقیت دوستان را در کنکور تبریک بگویید. هر متنی که با زبان ساده و صمیمی و استفاده از عناصر احساس و خیال نوشته شده باشد.				
ب	سازهای نوشتاری (۴ نمره)				
۱/۵	۳. حکایت زیر را به زبان ساده «بازنویسی» کنید. «مردکی را چشم درد خاست. پیش بیطار (دامپزشک) رفت تا دوا کند. بیطار از آنچه در چشم چهارپایان می‌کند در چشم وی کشید و کور شد. حکومت (شکایت) پیش داور بردند؛ داور گفت: بر بیطار هیچ تاوان نیست، اگر این خر نبودی پیش بیطار نرفتی. مقصود از این سخن آن است تا بدانی که هر آنکه نازآمده را کار بزرگ فرماید، با آنکه ندامت برد، به نزدیک خردمندان به سستی اندیشه منسوب گردد». مردی چشمش درد گرفت. پیش دامپزشک رفت تا او را درمان کند. دامپزشک از دارویی که به چشم چهارپایان می‌ریخت در چشم بیمار ریخت و او کور شد. پیش قاضی برای شکایت رفتند. قاضی گفت: نیازی نیست تا دامپزشک جریمه‌ای بدهد؛ زیرا اگر این مرد نادان نبود پیش دامپزشک نمی‌رفت. مقصود از این حکایت این است که هر کس کار بزرگی را به فرد بی‌تجربه‌ای بسپارد به بی‌خردی معروف می‌شود.				
۱	۴. دریافت خود را از شعر زیر بنویسید. گرچه دانی که نشنوند بگوی هرچه دانی ز نیک‌خواهی و پند زود باشد که خیره‌سر (گستاخ) بینی به دو پای افتاده اندر بند دست بر دست می‌زند که دریغ نشنیدم حدیث دانشمند اگر پند و حکمتی می‌دانی بگو هرچند ببینی به سخنان تو گوش نمی‌کنند. خیلی زود می‌بینی آدم گستاخی که سخنان تو را گوش نکرد، گرفتار شد. در آن موقع است که به دلیل گوش نکردن به پندهای دیگران افسوس می‌خورد.				
۱/۵	۵. یکی از مثل‌های زیر را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید. * از دل برود هر آن که از دیده برفت. * باز فیلش یاد هندوستان کرد. * به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی.				
پ	تولید متن (۱۴ نمره)				
۶	۶. یکی از موضوعهای زیر را انتخاب کنید و درباره آن متنی بنویسید. * ماندگارترین خاطره خود را بنویسید. * دوست دارید به کدام کشور سفر کنید؟ * جنگلی را در فصل پاییز توصیف کنید. * از زبان میله‌های زندان * اگر ثروتمندترین فرد روی زمین بودید، چه می‌کردید؟ * اردوی یک روزه در مدرسه.				